**سیصدمین سال وفات صائب (سال 1086 هجری قمری)**

**گلچین معانی، احمد**

در اینموقع که ساختمان آرامگاه سخنسرای نامی مولانا صائب تبریزی اصفهانی‏ رحمة اللّه علیه بهمت بلند اولیاء بزرگوار و ارجمند انجمن آثار ملی در باغ تکیهء صائب‏ نزدیک بپایانست،جا دارد که دربارهء تاریخ وفات وی دقت بیشتری مبذول شود تا خدای نکرده‏ اشتباهی ازین حیث رخ ندهد.

از تواریخ مختلفی که دربارهء وفات صائب نوشته‏اند.سال 1801 هجری بیشتر مورد اعتنا و اعتماد قرار گرفته،و مستند ارباب تحقیق دو مادهء تاریخ ذیل است که اولی را محمد افضل سرخوش صاحب کلمات الشعراء گفته و دومی را ملا محمد سعید اشرف‏ مازندرانی سروده است:

1-صایب وفات یافت 1801

2-بود با هم مردن آقا رشید و صایبا 1081

بنده چون آثار حیات صائب را تا سال 1085 هجری دیده‏ام اعتقادم اینست که ازین دو مادهء تاریخ بر اثر غفلت یا تصرف کاتبان یک حرف«هـ»که عدد آن«پنج»است.ساقط گردیده، و با دلائلی که ذرک خواهد شد بظن قوی هر دو ماده در اصل چنین بوده است:

1-صایب وفات یافته 1086

2-بوده با هم مردن آقا رشید و صایبا 1086

با توجه بتاریخی که بر لوح مزار مولانا بعبارت ذیل منقورست:

«تحریرا شهر جمادی الاول سنهء 1087 فقیر محمد صالح»

و اینکه صائب شاعر تهیدست و گمنامی نبوده که شش سال پس از درگذشت او سنگ‏ مزارش را نصب کنند.1اسناد و مدارک ذیل نیز مدلل میدارد که وی سال 1085 را هم گذرانده‏ است.و تاریخ صحیح و قطعی وفاتش همان 1086 هجریست:

1-نسخهء منتخبات صائب شمارهء(7)دانشگاه علیگره که از آغاز تا انجام متنا و هامشا بخط خود اوست.در پایان رقم ذیل را دارد:

«بعنایت الهی در تاریخ روز شنبهء سیم شوال المکرم 1083 در دارالسلطنهء اصفهان با تمام‏ رسید.العاقبة بالخیر»2

(1)-دلیلش هم وجود باغ تکیه است که ملک ضخصی او بوده و با اینکه موقوفه خوران‏ و متصدیان متعدی در طول مدت سیصد سال قطعانی از آن جدا کرده و فروخته‏اند،هنوز هم شش‏ هفت هزار متر از باغر مزبور باقیست.

رک:سلسلهء مقالات اینجانب بعنوان:«آرامگاه صائب»در مجلهء سپاهان»

(2)-رک:ضمیهء او رنتیل کالج میگزین(فروری و مئی 1953 ص 37)مقالهء مرحوم پروفسور محمد شفیع بعنوان:«نوادر مخطوطات و غیره در دانشگاه علیگره»

2-نسخهء شمارهء(8)همان دانشگاه بخط عارف تبریزی شاگرد صائب که در سال‏ 1085 نوشته شده و صائب در حواشی آن غزلهایی با عنوان«لراقمه»اضافه کرده است.1

3-میرزا محمد رفیع واعظ قزوینی مادهء تاریخ در وفات صائب یافته است‏ که سال 1087 از آن استخراج میشود.ظاهرا وی این تاریخ را پس از نصب سنگ گفته و یا آنکه یکسال زیاده را عیب ندانسته است:

شد صائب ازین جهان ویران صد حیف‏ زان در ثمین بحر عرفان صد حیف‏ گفتند به ناله بلبلان تاریخش: «ای حیف ز آن هزار دستان صد حیف»2

4-ولیقلی بیگ بن داود قلی شاملوی هروی مؤلف کتاب قصص الخاقانی‏ که در وفیات تاریخ 1085 را هم آورده از صائب با عنوان ملک الشعراء و عبارت«سمله اللّه» یاد کرده و اشعاری هم در مدیح او سروده است.3

5-نسخه‏یی مشتمل بر یکصد غزل در کتابخانه نور عثمانیه موجودست که صائب‏ در سال 1084 برای میرزا شفیع نوشته و آقای دکتر بهمن کریمی از آن عسک گرفته‏اند.

6-میر عبد العالی نجات اصفهانی صاحب منظومهء معروف«گل کشتی» سفرنامهء منظومی دارد موسوم به«مسیر السالکین»که در سال 1085 هجری سروده‏ چنانکه گوید:

پس از تحریر این نیکو رساله‏ که رنگین‏تر بود از برگ لاله‏ سزد چون راه عشق نیک فرجام‏ مسیر السالکینش گرد شود نام‏ ظهور فیض فصل نوبهارست‏ که کلکم زین بیان معنی شکارست‏ بود هشتادو پنج از الف ثانی‏ که این ابیات را دل گشت بانی‏ برین گلبن که دل افسانه سنج است‏ هزارش برسر هشتاد و پنج است

و وی درین منظومه از استاد خود صائب بتفصیل یاد کرده و ابیات ذیل نشان میدهد که‏ از شاعر زنده‏یی سخن میگوید:

ولی هر دم دل از جنت کند یاد بیاد رستهء عباس آباد که میگوید محله؟شهر اعظم‏ دو طفل گمشده در وی دو عالم‏ بود هر گونه‏اش چون نی طرب‏خیز خیابانهاش هر یک صد چو تبریز بدامنگیری آتش ترابش‏ سبکتر از نسیم صبح آبش‏ عماراتش بعمنی دلنشین است‏ بهشتی گر بعالم هست اینست‏ ز اهلش خود چه سنجد کلک دمساز که از اهلیتند آن قوم،ممتاز بدولت جملگی از همت خویش‏ مرفه همچو دل از نیت خویش‏ تجارت پیشگان صاحب احوال‏ بهنگام گذشت از مال،ابدال‏ همه فکر وطن را برده از یاد مجاور گشته در آن عیش آباد

(1)-رک به حاشیهء(2)صفحه پیش.

(2)-رک:دیوان واعظ شمارهء(4792)کتابخانهء آستان اقدس.

(3)-رک:کتابخانهء مجس شماره‏های 2155 و 2256 و 2157

چه عیش آباد خاک پاکش از دل‏ گذشتن چون طرب زان خاک مشکل‏ زهی عز و وقار و فخر و شانش‏ که میرزا صائب است از ساکنانش‏ سخن خود را بخوش جایی کشانید بمدح صاحبش آخر رسانید الا ای لفظ و معنی گوش دارید زمانی گوش را باهوش دارید بکوی اعتراف از جان آگاه‏ درآیید از در انصاف باللّه‏ که از ایام آدم تا بان دم‏ -ز ارباب معانی بیش یا کم‏ کجا دیدید ازینسان طرفه گنجی‏ در از لب افرین نکته سنجی‏ که چون او مر شما را صاحبی کرد چو در دامن اندیشه پرورد بدینسان شاعری دیدید هرگز؟دری زینگونه سنجیدید هرگز؟ نه باللّه در گلستان معانی‏ کسی نشنیده زینسان خوش بیانی‏ چه میگویم؟چه شعر و کیست شاعر؟ که آن روشندل نیکو مظاهر: حکیم عالم موزون بیانیست‏ بعلم و فضل بحر بی‏کرانیست‏ بکف کلکش رگ ابر بهارست‏ کزان گلهای معنی آشکارست‏ اگر دیوان او را دیده باشی‏ چه گلها کز حقیقت چیده باشی‏ ز هر شعرش بجو از خود کمالی‏ ببین هر لظحه مرآت الجمالی‏ همه افکار ابکارش خلاصه‏ دو عالم گنج،هر یک خوب و خاصه‏ بود این طالع شهرت خداداد که در دامان ما در طفل نوزاد: بخاطر ناگرفته نام مادر کلام صائبا میخواند از بر بود بیرون جنابش از معایب‏ مثل باشد بعالم فکر صایب

\*\*\*\*

الهی تا سخن را آب و تابست‏ ز لفظ تازه معنی را نقابست: سخن را باد ازو پیرایهء رنگ‏ بود از کلک او چون شه بر اورنگ‏ ازو باشد دم گلفتارم ایدوست نجات از مخلصان حضرت اوست‏ دمش ؟؟؟ نبودی فیض پردرد بوصف اصفهان جرأت نمیکرد1

(1)-منقول از مثنوی مسیر السالکین(نسخهء منحصر بفرد)منضم بدیوان میرنجات که در زمان حیات شارع نوشته شده و متعلق است بکتابخانهء خصوصی دوست دانشمندم آقای عبد الحسین بیات.